

سخن سر دیر

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۚ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ (نحل: ۱۲۵).

حکمت، دانش یا سخن استوار است که براساس آن بتوان حق را بدون هیچ‌گونه تردیدی دریافت. در فرهنگ و ادبیات اسلامی این واژه غالباً برای اشاره به معارف هستی‌شناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی و خداشناختی که با روش برهان به‌دست آید، اطلاق می‌شود. باتوجه به اصل معنای این واژه یعنی «منع»، شاید کاربرد آن در گستره مزبور از این جهت باشد که بینش استوار و مبتنی بر منطق و استدلال محکم شرط لازم است برای صیانت از فروغلطیدن در ورطه لغزش و انحراف اعتقادی و عملی، هرچند شرط کافی آن نباشد. البته در کاربردهای متأخر هماهنگی با شهود و وحی نیز در گستره حکمت معتبر قلمداد می‌شود. آیه فوق خطوط کلی و الگوی فراگیر دعوت به دین حق را در ظریف‌ترین اسلوب بیان فرموده است، درحالی‌که موعظه و اندرز مطلوب (گفتاری که جان آدمی در مواجهه با آن خاضع گشته و موجب رقت قلب و پذیرش حق شود) را مقید به حسنه و جدال (دلیل و حجتی که با بهره‌جستن از مسلمات یا مقدمات مورد قبول طرف مقابل، باور باطل اش را ابطال نماید) را محدود به جدال احسن نموده است، دعوت به‌وسیله حکمت را به‌نحو مطلق مطالبه فرموده است.

شاید مطلوبیت مطلق حکمت بدین‌خاطر باشد که منطق عقل و استدلال و سرمایه نخستین آن - بدیهیات اولیه - زبان مشترک همه انسان‌ها در همه اعصار و امصار بوده و آدمی در مقام پاسخ به پرسش‌های بنیادین و گزینش بینش و منش کلی زندگی خود چاره‌ای

جز مراجعه به آن ندارد و حتی عقل ستیزان، منطق‌گرایان و شک‌گرایان نیز در مقام توجیه موضع خویش (خواسته یا ناخواسته) بدان متوسل می‌شوند و حکم آن را برمی‌تابند.

همچنین در متون دینی به‌ویژه قرآن کریم، تعلیم حکمت در کنار تزکیه و تعلیم کتاب از جمله شئون و برکات شجره طیبه نبوت مطرح شده است: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَ يُزَكِّيكُمْ وَ يُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (بقره: ۱۵۱) و تعلیم حکمت از یک سو با ترغیب مکرر و مؤکد به خردورزی و عقلانیت و رجوع به حجت درونی (عقل) انجام می‌پذیرد؛ چنان‌که قرآن کریم بالغ بر سیصد مرتبه بر آن تأکید کرده است. از سوی دیگر با طرح برخی موضوعات و مسائل که عقل بشری به‌تنهایی توان کشف آنها را ندارد، آفاق و عرصه‌های جدیدی برای تأمل عقلی و کنش حکمی فراهم می‌کند. حتی در ساحت‌هایی که عقل بشری توان ورود به آنها را دارد نیز قرآن و سنت با طرح لوازم یا نتایج آنها یا ارائه استدلال‌ها و حجج نوین و درنهایت تأیید داده‌های معرفتی عقل، به پرورش و شکوفایی حکمت می‌پردازد.

افزون‌براین، با تزکیه و تربیت نفوس انسانی در پرتو التزام به اخلاق دینی و شریعت الهی، زمینه جوشش کوثر حکمت در وجود انسان فراهم می‌گردد. توجه به محدودیت و خطاپذیری منابع عادی شناخت از یک سو و سیر وجودی بیکران و ابعاد پیچیده واقعیت و انسان از سوی دیگر، نیاز و بلکه اضطرار به معارف و حیانی را نمایان می‌سازد. آسیب‌های ناشی از مواجهه جموداندیشانه و ظاهرمانانه با متون و حیانی و ضرورت کشف و ارائه چهره حکمی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام ضرورت غواصی و گوهریابی در دریای بیکران علوم آل محمد علیهم‌السلام را دوچندان می‌سازد.

دوفصلنامه حکمت و حیانی، این افتخار را دارد که به‌صورت تخصصی آثار پژوهشی معطوف به متون قرآن و سنت را در قلمرو هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی، راهنماشناسی و ارزش‌شناسی بر اساس تحلیل عام حکمی منتشر نماید.